

به گزارشگر ویژه

منبع: کمیته دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی

خرداد ۹۳

توفیق امینی

پسرم پنج سال است که در سلول انفرادی است. آیا کسی نیست از او دفاع کند؟!

آقای احمد شهید هم اکنون پنج سال و یک ماه است که پسرم لقمان امینی در سلول های انفرادی اطلاعات سنندج به سر می برد و زیر شکنجه هر روز به مصاحبه تلویزیونی بر علیه خودش و چندین نفر دیگر می پردازد. وقتی که او را دستگیر کردند زیر شکنجه به قتل یک ماموستای اهل سنت اعتراف کرد و مأمورین اطلاعات هر روز برای سخنرانی بر علیه خودش و افرادی که من حتی یک بار هم آنها را با فرزندم ندیده ام به مکان های عمومی مثل دانشگاه، استانداری، مساجد، مراکز همایش عمومی و شبکه های تلویزیونی می برند و هرآنچه به او دیکته شود، آن را بیان می کند.

آقای احمد شهید متأسفانه در این مدت که پسرم در سلول های انفرادی بوده به داروهای روانگردان قوی که خود مأمورین اطلاعات برایش تهیه می کنند معتاد شده و حتی روزانه دو بسته سیگار هم برایش می آورند تا بهتر بتوانند با اعتیاد به داروی روان گردان و سیگار هرآنچه به او دیکته می کنند را بگویند.

جناب احمد شهید

من مطمئن هستم پسر من لقمان تمام این اتهاماتی که قبول کرده است زیر شکنجه های شدید جسمی و روحی بوده و می دانم پسرم بی گناه است. پسرم دارای دو فرزند است که هر روز بهانه پدرشان را از من می گیرند. جناب احمد شهید عاجزانه از شما می خواهم که از حکومت ایران بخواهید که پسرم را از سلول های انفرادی به بند عمومی منتقل کند. از چه چیزی می ترسند که پنج سال است که لقمان را در سلول انفرادی نگهداری می کنند.

آیا این نیست که خود حکومت او را معتاد کرده تا اهدافش را اجرایی کند؟! من دیگر تحمل تمام شده، هر چند چندین بار از من تعهد گرفته اند تا پیگیری کار پسرم نشوم. در چند سال گذشته بارها به تهران جلوی دفتر رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه و حتی رهبر ایران رفته و نامه هایی به این دفاتر داده ام که شاید پسرم را از سلول انفرادی بیرون و اجازه دهند تا برایش وکیل بگیرم و او را دادگاهی کنند. اما متأسفانه هیچ جوابی الا احضار به اطلاعات و تعهد کتبی برای مراجعه نکردن به این دفاتر به من ندادند.

آیا کجای دنیا دیده اید که یک زندانی را پنج سال و یک ماه در سلول انفرادی نگهداری کنند.

آقای احمد شهید عاجزانه از شما می خواهم برای نجات جان پسرم از دست مأمورین اطلاعاتی اقدام کنید در این پنج سال تنها چند بار من و مادر پیرش و همسر و فرزندانش توانسته ایم او را ببینیم آنهم با حضور مأمورین اطلاعاتی و دوربین فیلم برداری. آیا ترس از چیست الا این که می ترسند تحقیقات بی گناهی پسرم مشخص شود پسر من که همیشه در مسجد بود چگونه معتاد شده و چگونه روزانه دو بسته سیگار می کشد که تا قبل از دستگیری حتی یک بار هم سیگار نمی کشید؟! من و خانواده ام از شما می خواهیم که خواسته ما را به مسئولین ایران برسانید، شاید در نجات فرزندم تأثیری داشته باشد.

توفیق امینی

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۳

سنندج